

بررسی عملکرد نظام آموزش عالی در زمینه افزایش گرایش های کارآفرینی

فاطمه کبیری*¹، علیرضا موغلی²

1- محقق پسا دکتری مدیریت کارآفرینی دانشگاه پیام نور Fa_kabiri@yahoo.com

2- استاد تمام مدیریت منابع انسانی دانشگاه پیام نور

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی عملکرد نظام آموزش عالی در زمینه افزایش گرایش های کارآفرینی می باشد. این پژوهش از نظر جهت گیری پژوهشی، کاربردی؛ از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها، میدانی؛ از نظر زمانی، مقطعی و از لحاظ نحوه جمع آوری اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی می باشد. نمونه آماری پروژه 1367 نفر از اساتید و دانشجویان سال آخر در رشته ها و دانشگاههای مختلف شهرستان شیراز اعم از دولتی، آزاد، پیام نور و علمی کاربردی بودند که با محاسبه فرمول کوکران مشخص گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بوده که از طریق ادغام پرسشنامه استاندارد و محقق ساخته طراحی شد. ویژگیهای فنی پرسشنامه نیز در دو بخش روایی و پایایی با استفاده از معیارهای مختلف ارزیابی شد و روایی و پایایی ابزار تحقیق تایید گردید. به منظور تحلیل داده ها از نرم افزارهای متفاوت و آماره ها مختلف استفاده گردید. در کل، یافته ها نشان دادند که میزان گرایش های کارآفرینی در دانشجویان بسیار پایین می باشد. نتایج همچنین نشان داد که وضعیت فعلی دانشگاه در زمینه مهارت های مذکور و همچنین عملکرد و اقدامات دانشگاه در زمینه بهبود این مهارت ها بسیار ضعیف بوده و مقایسه نظر پاسخگویان در مورد وضعیت فعلی دانشگاه در زمینه مهارت ها با عملکرد و اقدامات دانشگاه در زمینه بهبود این مهارت ها اختلاف معنا داری را نشان ندادند.

واژه های کلیدی: نظام آموزش عالی، کارآفرینی، گرایش های کارآفرینی، مهارت های خاص

1- مقدمه

نرخ بالای بیکاری جوانان به خصوص در میان دانش آموختگان جوان، موضوع اشتغال آنان را به موضوعی مهم برای سیاستگذاران و برنامه ریزان تبدیل ساخته و سبب شده است تا مسئله اشتغال دانش آموختگان دانشگاهی یکی از دغدغه های اصلی دولت، خانواده ها و دانشجویان باشد. طبیعی است که نادیده گرفتن چالش بیکاری جوانان و به ویژه دانش آموختگان جوان نه تنها موجب نارضایتی اجتماعی میشود، بلکه هزینه های اقتصادی بالایی را نیز در پی خواهد داشت. حجم انبوه دانش آموختگان دانشگاهی کشور به عنوان جمعیت جوان و با انرژی که از تحصیلات دانشگاهی برخوردارند و در عین حال پتانسیل عظیمی را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور فراهم میآورد در صورت استفاده نشدن درست از این پتانسیل ملی و گرفتار شدن این قشر در معضل بیکاری، به عنوان تهدید اجتماعی و اقتصادی جدی به شمار خواهند رفت (انصاری و فکور، 1393). در این میان به نظر می رسد برخی از سیاستمداران با سرگرم نمودن جوانان دیپلم و گسیل آنان به دانشگاه ها، و سپس در دانشگاه از یک مرحله به مرحله بالاتر صرفاً به انتقال بحران از یک مقطع به مقطع دیگر اقدام نموده اند و در طی دهه اخیر این امر از طریق افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو و هم گسترش بدون برنامه دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی به عنوان یک